

«هویت» از مباحث مهمی است که در گرایش‌های مختلف علمی مانند فلسفه، تاریخ، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات جنسیتی، علوم سیاسی و اقتصاد مورد پژوهش قرار گرفته است (همک (Hammack)، ۲۰۱۴، ص ۱۲). این مفهوم بیشترین حجم تحقیقات را در علوم اجتماعی به خود اختصاص داده است (بروباگر و کوپر (Brubaker & Cooper)، ۲۰۰۰؛ کوته (Côté)، ۲۰۰۶).

از نظر تیلور (Taylor) (۱۹۸۹)، ریشه تاریخی بحث هویت به مفهوم «خود» در نظریه دانشمند یونانی، آگوستین بر می‌گردد. اما بامیستر (۱۹۸۷)، آن را به «مفهوم فراخوانی» موجود در ادبیات پروتستان نسبت می‌دهد. در قرن هفدهم، این مفهوم یک موضوع فلسفی بود که در چارچوب ادراک و حافظه بحث می‌شد. احتمالاً ریشه آن، به جمله معروف دکارت (۱۹۷۳) بر می‌گردد که گفت «می‌اندیشم پس هستم». هشیاری نسبت به خود را مطرح و نوعی انسجام درونی بین اندیشه فرد و هستی او ایجاد کرد. در قرن هجدهم هیوم (۱۷۳۹)، این اندیشه را طرح کرد که فرایند حافظه وحدت فرد را تضمین می‌کند و کانت (۱۷۸۱)، مدعی شد که انسان تنها در ارتباط با دیگران خویشتن را درک می‌کند. اندیشه‌های فلسفی قرن نوزدهم درباره حافظه، معنایی، ارتباطی بودن، تفاوت و همسانی در دیدگاه‌های ویلیام جیمز (۱۸۹۰) و جرج هربرت مید (۱۹۳۴) منعکس شده است (همک، ۲۰۱۴، ص ۱۲).

در تحقیقات مربوط به هویت، سه سیر پژوهشی را می‌توان از هم متمایز کرد؛ سیر پژوهشی اول، مربوط به فروید است که ذیل بحث همانندسازی، به هویت پرداخته است. وی معتقد بود: احساس فرد در مورد خودش از درون‌فکنی والدین در جریان شکل‌گیری فرامن به وجود می‌آید. این درون‌فکنی‌ها، نه تنها پایه‌های تعریف خود را در دوران کودکی شکل می‌دهد، بلکه در دوران نوجوانی و بزرگسالی نیز مورد تجدید نظر قرار نمی‌گیرد. فروید، درباره فرایند همانندسازی و سایر فرایندهای شبه هویت مطالب زیادی نوشت، اما هویت‌یابی با رویکرد روان‌پویایی، توسط اریکسون (۱۹۵۰) در کتاب *کودکی و جامعه* منتشر شد. اریکسون معتقد بود: عناصر خودانتخابی، هویت کودکی را از نوجوانی و بزرگسالی تفکیک می‌کند و تحکیم و تثبیت هویت پایان کودکی به حساب می‌آید. پس از اریکسون، نظریه‌پردازانی چون مارسلیا (Marcia) (۱۹۶۶)، برزونسکی (Berzonsky) (۱۹۸۸)، گروتونت (Grotevant) (۱۹۸۷)، کوته (۱۹۹۷)، کرتینز (Kurtines) (۱۹۹۹)، آدامز و همکاران (۱۹۸۷) و بوسما (Bosma) (۱۹۸۵)، به موضوع هویت پرداختند که دیدگاه‌های نواریکسونی خوانده می‌شود (شوارتز (Schwartz)، ۲۰۰۱).

ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی

کعبه نجیب‌الله نوری / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
NooRi1351@gmail.com

علی عسگری / استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی

رحیم نارویی نصرتی / استادیار روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

محمدصادق شجاعی / استادیار روان‌شناسی جامعه‌المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱

چکیده

این پژوهش با هدف کشف ساختار مفهومی هویت در منابع اسلامی انجام شد. بدین‌منظور، با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی، هویت در منابع اسلامی معادل‌یابی و مؤلفه‌های ساختاری آن استخراج گردید. سپس، برای بررسی روایی محتوایی، معادل‌ها و مؤلفه‌های هویت در اختیار کارشناسان علوم حوزوی، که دارای تخصص روان‌شناسی یا علوم تربیتی بودند، قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد پس از بررسی ۵۶۱ مفهوم از منابع اسلامی، نخست ۱۷ مورد و در نهایت، ۷ مفهوم فطرت، شاکله، سجیه، ایمان، تسلیم، معرفت‌نفس و هویت فلسفی، بیشترین هماهنگی را با سازه هویت نشان داد و بر پایه شواهد نظری و دیدگاه متخصصان، «معرفت‌نفس» مناسب‌ترین معادل برای هویت معرفی شد و ۱۶ مؤلفه ساختاری برای آن استخراج گردید. بر پایه درجه‌بندی متخصصان، ۹ مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکسایبی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی و خودپایی، به عنوان مؤلفه‌های نهایی ساختار هویت معرفی شد. بنابراین، هویت در منابع اسلامی پاسخ به سؤال کیستی فرد است که جنبه‌های گوناگون خود را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هویت، معرفت‌نفس، ساختار مفهومی، منابع اسلامی، مؤلفه‌های ساختاری.

سیر پژوهشی دوم، مربوط به *ویلیام جیمز* و پژوهش‌هایی است که در تکمیل و گسترش دیدگاه‌های وی انجام شده است. با اینکه دیدگاه جیمز در مورد «خود فردی» مقدم بر *اریکسون* است، اما دیدگاه‌ها و پژوهش‌هایی که سازه هویت را در چارچوب نظر جیمز پیگیری می‌کنند، به اندازه خود نظریه جیمز قدمت ندارند. در نظریه جیمز، خود به دو بخش «من» (خود فاعلی) و «مرا» (خود مفعولی) تقسیم شده است. خود مفعولی به نوبه خود، از سه بخش خود مادی، خود اجتماعی و خود معنوی تشکیل یافته است. دیدگاه *ویلیام جیمز* درباره خود، توسط *آندرسون* (۱۹۹۸) و *روزر* و همکاران (۲۰۰۶) در بحث هویت فردی گسترش یافته است.

سیر پژوهشی سوم، توسط *جرج هربرت مید* (۱۹۳۴) با قرار دادن هویت در چارچوب خود اجتماعی مطرح شد. *مید*، با تأکید بر جهان بیرونی معتقد است: خود در تعامل و ارتباط اجتماعی تحول می‌یابد. او در مقایسه با جیمز، شناخت و عاملیت فردی را کمرنگ در نظر گرفته و بر ساخته شدن هویت در بافت اجتماعی تأکید کرده است. دیدگاه‌هایی که در این رویکرد حرکت کردند، مانند نظریه *برچسب‌گافمن* (۱۹۶۳)، مدل هویت نقش *مک‌کال* و *سیمون* (۱۹۶۶)، نظریه هویت *استریکر* (Stryker) (۱۹۶۸) و نظریه هویت اجتماعی *تاجفل* و *ترنر* (۱۹۸۶)، ارتباط و تعامل را اساس شکل‌گیری هویت می‌دانند.

درباره تعریف «هویت» نیز دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ برای نمونه، *اریکسون* (۱۹۶۳)، (۱۹۶۸)؛ با تمایز سازه هویت از مفهوم «خود» و «خودپنداره»، هویت را ادراک فردی از تداوم و یکپارچگی خود می‌داند. در حالی که جیمز (۱۹۸۰)، خود به دو بخش خود فاعلی و خود مفعولی تقسیم می‌شود و هویت برابر با بخش خود مفعولی فرد است. از نظر *هربرت مید* (۱۹۳۴)، هویت هم معنا با خود و به ایده‌آل‌های درونی‌شده جامعه تعریف می‌شود.

با آنکه *مارسیا* (۱۹۶۶، ۱۹۸۰) و *برزونسکی* (۱۹۸۸، ۲۰۱۱)، هویت را به سازمان‌یافتگی درونی منسجم تعریف می‌کنند، اما *مارسیا* سازمان‌یافتگی را ترکیبی از شناخت و کشاننده‌ها و *برزونسکی* یک ساخت شناختی در نظر می‌گیرد. *مک‌آدامز* (۱۹۸۵، ۲۰۱۱) با تأثیرپذیری از دیدگاه *اریکسون*، هویت را داستان استنتاجی و ساخته‌شده‌ای می‌داند که فرد آن را درونی‌سازی کرده است. در تعریف *روزر* و همکاران (۲۰۱۵)، که از پیروان دیدگاه جیمز هستند، هویت یک بازنمایی ذهنی از جنبه‌های مختلف خود است. *مک‌کال* و *سیمونز* (۱۹۶۶)، هویت‌ها را نقش‌های اجتماعی می‌دانند که یک فرد به تعداد نقش‌ها، می‌تواند هویت‌های مختلف داشته باشد. *تاجفل* (۱۹۷۰)، با رویکرد اجتماعی، هویت را عضویت فرد در یک گروه اجتماعی می‌داند که اختصاص به نقش او در گروه ندارد. *استریکر* (۱۹۶۸)،

(۲۰۰۷)، با برداشت از دیدگاه *هربرت مید*، هویت را یک شناخت اجتماعی می‌داند که مربوط به تفسیر فرد از موقعیت‌ها می‌شود.

به رغم این دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری مختلف در روان‌شناسی، که از مبانی فلسفی و انسان‌شناسی متعدد ریشه گرفته‌اند (همک، ۲۰۱۴، ص ۱۱)، مفهوم «هویت»، بر پایه مبانی اسلامی با رویکرد روان‌شناسی و نگاه ساختاری مورد بحث قرار نگرفته است. البته در مورد هویت دینی از دیدگاه اسلام، *لطف‌آبادی و نوروزی* (۱۳۸۳)، هویت دینی را شامل پنج مؤلفه اعتقادی، عملکردی، اخلاقی، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه دینی می‌دانند. *آخوندی* (۱۳۸۳)، هویت دینی را مرکب از دو بخش پایبندی نظری به دین و پایبندی عملی می‌داند. *حبی و همکاران* (۱۳۸۷)، هویت‌یابی دینی را در قالب پایبندی به برخی آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی معنا کرده است. وی *حجاب*، *بخشش*، *توکل*، *توجه به رزق حلال*، *وفای به عهد*، *توجه به بیت‌المال*، *صبر در برابر مصائب* و *انجام تکالیف* را از شاخص‌های هویت‌یابی دینی معرفی کرده است.

بر پایه منابع اسلامی و روایت *امیرالمؤمنین* علیه السلام: «خدا رحمت کند کسی را که بدانند از کجاست، در کجا قرار دارد و به چه جهتی در حرکت است» (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۲)، هویت یعنی پاسخ به این سؤال که من کیستم؟ اما پاسخ این سؤال، در سه سطح معنا پیدا می‌کند: نخست، در سطح نوع بشری، یعنی انسان در مقابل موجودات دیگر کیست و چیست. دوم، یک گروه مانند مؤمنان در برابر گروه‌های دیگر مانند غیرمؤمنان چه کسانی هستند. سوم، در سطح فرد یک شخص در برابر اشخاص و افراد دیگر چه کسی است. پاسخ فرد به سؤال کیستی او، هویت شخص را شکل می‌دهد. پاسخی که فرد در پاسخ به سؤال «من کیستم» ارائه می‌دهد، جنبه‌های گوناگون وجودی او را شامل می‌شود. این پژوهش، به دنبال این است که آن جنبه‌های مختلف کدامند و در چه دسته‌هایی قرار می‌گیرد. مجموع آنها، مؤلفه‌های ساختاری هویت فرد را شکل می‌دهد. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در منابع اسلامی، واژه‌ای وجود دارد که بتوان آن را معادل «هویت» دانست؟ مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت بر پایه منابع اسلامی کدامند؟ بنابراین، هدف این پژوهش، تبیین سازه هویت در منابع اسلامی و تعیین مؤلفه‌های ساختاری آن می‌باشد.

منظور از «منابع اسلامی» در این پژوهش، متون قرآن، حدیث و آثار دانشمندان مسلمان است. هر چند اصطلاح «منابع اسلامی» به متون قرآن و حدیث اطلاق می‌شود، اما از آنجایی که در این پژوهش، معادل هویت و برخی مؤلفه‌های آن از آیات و روایات به دست آمده است و تنها در توضیح‌ها و یافتن برخی مصادق از آثار دانشمندان استفاده شده است، اطلاق «منابع اسلامی» بر همه آنها صادق است.

روش پژوهش

روش این پژوهش، تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی است. از روش تحلیل محتوا، برای تحلیل تعریف‌ها، ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و نیز مفهوم‌سازی و تبیین ساختار مؤلفه‌ای سازه هویت در منابع اسلامی استفاده شد. این روش، شامل تحلیل محتوای یک سخنرانی، پیام، مقاله، عقاید، احساسات و نظرهاست (جعفری‌هرندی و همکاران، ۱۳۸۷). به کمک این روش مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب یک متن بررسی شود (شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴). از روش معناشناسی زبانی برای یافتن معادل مفهومی هویت و استخراج مؤلفه‌ها از منابع اسلامی استفاده شد. این روش، که برای فهم معنا در مطالعات زبانی به کار می‌رود، بر دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). بر پایه این روش، مفاهیم مربوط به موضوع گردآوری و تحلیل شد. تکرار و مقوله‌بندی این مفاهیم، در جدول یافته‌ها، نشان می‌دهد که به نوعی تحلیل کمی مد نظر قرار گرفته است. اطلاق روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی، بر آن صادق است.

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از: تمامی متخصصان و کارشناسان علوم حوزوی در قم، که در زمینه روان‌شناسی، علوم تربیتی یا معارف اسلامی تخصص داشتند. از این جامعه، دو گروه نمونه یکی برای انتخاب معادل هویت و دیگری روایی محتوایی مؤلفه‌های هویت به صورت داوطلبانه انتخاب شد (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های نمونه

مرحله	گروه نمونه یکم (n=۱۱)			گروه نمونه دوم (n=۱۲)				
	متغیر	n	%	متغیر	n	%		
رتبه علمی	دانشیار	۲	۱۸	دانشیار	۲	۱۶/۷		
	استادیار	۶	۵۴	استادیار	۷	۵۸/۳		
	مربی	۳	۲۷	مربی	۳	۲۵/۰		
رشته تحصیلی	روانشناسی	۷	۶۳/۶	روانشناسی	۷	۵۸/۳		
	علوم تربیتی	۴	۳۶/۴	علوم تربیتی	۳	۲۵/۰		
سطح تحصیل	دکتری	۸	۷۲/۷	معارف اسلامی	۲	۱۶/۷		
	دانشجوی دکتری	۳	۲۷/۳	دکتری	۹	۷۵/۰		
						دانشجوی دکتری	۳	۲۵/۰

برای گردآوری داده‌ها، از دو فرم نظرخواهی: ۱. فرم نظرخواهی مربوط به معادل‌یابی هویت در منابع اسلامی؛ ۲. فرم درجه‌بندی نظر متخصصان برای روایی محتوایی مؤلفه‌های هویت استفاده شد. اعتبار فرم‌ها، از طریق ضریب همبستگی درون طبقه‌ای و ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد.

برای تحلیل داده‌ها، از مشخصه‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌ها و نیز متغیرهای مورد مطالعه و از روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی، برای تحلیل کیفی مفاهیم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، دستیابی به ساختار مفهومی هویت در منابع اسلامی و یافتن پاسخ این سؤال بود که مفهوم معادل «هویت» در منابع اسلامی چیست؟ بدین منظور، مفاهیم مختلف از منابع قرآنی، حدیثی و اخلاقی، با توجه به ویژگی‌های هویت در روان‌شناسی استخراج شد. نتایج این بررسی نشان داد که با توجه به ویژگی‌های هویت، ۱۷ مفهوم از میان ۵۶۱ مورد، می‌توانند به عنوان معادل «هویت» پیشنهاد شوند. در بررسی‌های بیشتر و هم‌اندیشی با متخصصان علوم دینی و روان‌شناسی، مشخص شد که ۷ مفهوم معرفت نفس، فطرت، سجیه، شاکله، ایمان، تسلیم و هویت فلسفی، بیش از مفاهیم دیگر می‌تواند معنای هویت در روان‌شناسی را نشان دهد. تعاریف و نوع ارتباط این مفاهیم، با هویت در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. معادل‌یابی هویت در منابع اسلامی

مفهوم	تعریف	نوع ارتباط با هویت
معرفت نفس	آگاهی شهودی از خود و جنبه‌های مختلف خود از طریق توجه و درون‌بینی یا تحقیق، مطالعه و جست‌وجوگری	پاسخ به سؤال من کیستم، داشتن احساس هشیارانه از خود، نشان دادن تداوم و انسجام فرد
فطرت	ماهیت متعالی انسان که شامل گرایش‌ها و بینش‌های همگانی، جهان‌شمول و تغییرناپذیر است	پاسخ به سؤال من کیستم و نشان دادن تداوم و پیوستگی در وجود فرد
سجیه	ویژگی‌های درونی تثبیت شده و درونی‌سازی شده	نشان دادن ساخت روانی، تداوم و ثبات فرد
شاکله	هیئت درونی، صفات، عادات، طریقت، مذهب و خلقت درونی انسانی که موجب صدور رفتارها می‌شود	نشان دادن ساخت روانی، تداوم و ثبات درونی فرد
ایمان	باور، اذعان، راست شمردن، پایبندی، التزام و تعهد	نشان دادن تعهد فرد نسبت باورها
تسلیم	سرسپردگی، گردن نهادن، فرمان‌برداری و هدایت تمامی امیال و رفتارهای خود در مسیر انتخاب شده	تعهد و پایبندی و ثبات در مسیر واحد
هویت فلسفی	حقیقت، واقعیت، ماهیت، نفس و عقل انسان که این‌همانی او را در طول زمان نشان می‌دهد	حقیقت و ماهیت انسان و این‌همانی

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، هفت مفهومی که به عنوان مفاهیم معادل هویت از منابع اسلامی پیشنهاد گردید، هر یک با توجه به ویژگی‌های خاصی، به بحث هویت ارتباط پیدا می‌کند. برای اطمینان بیشتر نسبت به تعیین معادل مفهومی مناسب برای هویت، تعاریف، منابع و نیز مستندات لازم برای معادل‌های پیشنهادی در اختیار متخصصان (۱۱ نفر با تخصص در حوزه معارف

اسلامی، روان‌شناسی و علوم تربیتی) قرار گرفت. از آنها خواسته شد تا نظر خود را در مورد میزان تناسب معادل‌های پیشنهادی، با تعریف هویت در یک پیوستار صفر تا ده رتبه‌بندی نمایند (جدول ۳). ضریب هماهنگی بین داورها ۰/۶۷ به دست آمد.

جدول ۳. نتایج درجه‌بندی متخصصان درباره معادل‌های هویت

متغیر	میانگین	میان	کمینه	بیشینه
معرفت نفس	۷/۰۹	۸/۰۰	۲	۱۰
شاکله	۶/۱۸	۶/۰۰	۳	۱۰
فطرت	۵/۰۹	۵/۰۰	۱	۱۰
سجیه	۵/۳۶	۵/۰۰	۲	۱۰
ایمان	۴/۰۰	۴/۰۰	۱	۱۰
تسلیم	۴/۰۹	۳/۰۰	۱	۷
هویت فلسفی	۴/۳۶	۳/۰۰	۱	۹

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بر پایه نمره میانه معرفت نفس، بیش از مفاهیم دیگر می‌تواند معادل هویت در منابع اسلامی به شمار رود.

پرسش بعدی این بود که سازه هویت، از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟ بدین منظور، مؤلفه‌های معرفت نفس از آیات و روایات و مصادیق آن، از آثار دانشمندان، که بر پایه استنباط مفاهیم جزئی از کلی طرح شده بود، گردآوری شد. سپس، موارد به دست آمده بر پایه قرابت معنایی دسته‌بندی شد که منجر به استخراج شانزده مؤلفه معرفت نفس شده است. عنوان مؤلفه‌ها، مفاهیمی که این مؤلفه‌ها از آنها استخراج شده است و منابع آنها در جدول ۴ قرار دارد.

جدول ۴. مؤلفه‌های هویت در منابع اسلامی بر پایه تحقیق نظری

مؤلفه	مفاهیم	منبع
باورها	شناخت مبدأ، مقصد، مسیر و جایگاه، شناخت محل پیدایش و بازگشت، معاد، از کجا آمده‌ام و در کجا هستم	صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، مصباح (۱۳۹۱)، مطهری (۱۳۷۹)، فیض کاشانی (۱۴۰۶)، جوادی‌آملی (۱۳۸۸)، کلینی (۱۳۶۵)، نراقی (۱۳۷۷)
ارزش‌ها	فضائل نفسانی، اخلاق حسنه، عقل عملی، اخلاقیات منکی بر وجدان، حسن و قبح عقلی، اخلاق درونی، ملکات فاضله و رذیله، حالات پسندیده و ناپسند، ارزش‌های انسانی	مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، طباطبائی (۱۴۱۷)، مصباح (۱۳۹۱)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، فیض کاشانی (۱۴۰۶)، مطهری (۱۳۷۹)، کرپلایی (۱۴۰۴)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)
هدف‌ها	به کجا می‌روم، شناخت مصالح و کمالات خود، هدف افعال، بازگشت خود، رسیدن به کمال، رسیدن به سعادت و شقاوت	مصباح (۱۳۹۱)، مطهری (۱۳۷۹)، صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، جوادی‌آملی (۱۳۸۸)، فیض کاشانی (۱۴۰۶)، نراقی (۱۳۷۷)
گرایش‌ها	خوف، شهوت، خشم، هیجانات، امیال فطری، غرایز، احساسات، عواطف، انگیزه‌ها، نیازها، خواسته‌ها، کشش‌های درونی، عصبیت، میل، هوای نفس، نفس اماره، نفس نباتی، نفس حیوانی	صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، مصباح (۱۳۹۱)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، کرپلایی (۱۴۰۴)
ویژگی‌های پایدار	صفات، اوصاف نفسانی، ملکات فاضله و رذیله، ملکات پسندیده و ناپسند، صفات نفسانی، حال و ملکه، ایمان مستودع و مستقر	علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، فیض کاشانی (۱۴۰۶)، مصباح (۱۳۹۱)، کرپلایی (۱۴۰۴)، جوادی‌آملی (۱۳۸۸)
توانمندی‌ها	قوای نفس، استعدادها، نیروها، توانایی‌ها، دانش‌هایی که بخشی از وجود فرد می‌شوند، گنج‌های درون جان، عقل عملی و نظری	علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، حسن‌زاده‌آملی (۱۳۷۱)، مصباح (۱۳۹۱)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، موسوی خمینی (۱۳۷۸)، مولوی (۱۳۸۷)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، کرپلایی (۱۴۰۴)

مؤلفه	مفاهیم	منبع
آسیب‌پذیری	محدودیت دانش، فراموشکاری، بیماری، مرگ، ناتوانی در مدیریت افکار، بی‌اطلاعی از ضررها و منافع خود؛ وابستگی وجودی، لغزشگاه‌های شهوت و غضب، کاستی‌ها، نقص‌ها، عیب‌ها، نفس فانیه، رذایل نفسانی، ضعف‌های فیزیکی، ضعف‌های فردی	جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، نراقی (۱۳۸۶)، مصباح (۱۳۹۱)، مهدوی‌کنی، (۱۳۷۶)، فیض کاشانی، (۱۴۰۶)، طبرسی (۱۳۷۲)
شناخت اکتسابی	علم حصولی، شناخت، معرفت، ادراک، تفکر، توجه به نفس، نگاه کردن به خود، تشخیص موقعیت وجودی خود، استخراج استعدادها، اطلاع از استعدادهای قوا، کمال، ضعف‌ها و صفات خود، التفات به نفس	صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، کرپلایی (۱۴۰۴)، حسینی تهرانی (۱۴۱۹)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، طباطبائی (۱۴۱۷)، نراقی (۱۳۷۷)، فیض کاشانی، (۱۴۰۶)
احساس هشیارانه	علم حضوری به نفس، معرفت شهودی باورها، علم به علم، بازیافتن ارزش خود، علم حضوری به ضعف‌ها، توانایی‌ها و تمایلات، فراموش نکردن هدف‌ها و کمال، عدم نسیان فطرت و گرایش‌های فطری، آگاهی به ارزش‌ها	موسوی خمینی (۱۳۷۸)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، مصباح (۱۳۹۱)، مطهری (۱۳۷۹)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، ملکی تبریزی (۱۳۷۸)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، مولوی (۱۳۸۷)، حسینی تهرانی (۱۴۱۹)، محدث بندریگی (۱۳۷۶)
خودارزشمندی	شناخت کرامت و عظمت خود، درک ارزش خود، یافتن قدر و منزلت خود، شناخت گوهر فرشته‌ای، معرفت جوهر شریف و گوهر قیمتی	نهج‌البلاغه (۱۳۷۲)، شیخ صدوق (۱۳۷۶)، شیخ مفید (۱۴۱۳)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، غزالی (۱۳۸۰)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، نراقی (۱۳۷۷)
فطرت‌یابی	گرایش‌ها و پیش‌های سرشش، بایدها و نبایدهای عقلانی	جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، مصباح (۱۳۹۱)، مطهری (۱۳۷۹)، مکارم‌شیرازی (۱۳۸۵)، شیروانی (۱۳۷۶)
تلفیق عناصر	فعالیت‌های شناختی نفس، جریان نیروی نفس در اعضای بدن، مدیریت قوا	صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷)
حل تعارض	تضاد شهوت و سعادت، جمع بودن خصوصیات حیوانات و فرشتگان، پیوند فضیلت و رذیلت، سعادت و شقاوت، فجور و تقوا در نفس، لشکر عقل و جهل، طبیعت‌های متضاد	کلینی (۱۳۶۵)، محدث‌نوری (۱۴۰۸)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، نراقی (۱۳۷۷)، فیض کاشانی (۱۴۰۶)، مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)، نراقی (۱۳۸۶)
خودپایی	شکوفایی استعدادها، تحقق خویش، خودسازی، تزکیه نفس، تهذیب نفس، ریاضت نفس، دیدن حقیقت، افزایش مرتبه وجودی	مولوی (۱۳۸۷)، ملکی تبریزی (۱۳۷۸)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)، محدث بندریگی (۱۳۷۶)، مصباح (۱۳۸۲)، طبرسی (۱۳۷۲)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، موسوی خمینی (۱۳۷۸)
خود بدنی	ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های بدن، کارکرد سیستم‌ها و اعضای بدن، توانایی‌ها، ضعف‌ها و تصور فرد درباره بدن	موسوی خمینی (۱۳۷۸)، صدرالمتألهین (۱۹۸۱)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷)، غزالی (۱۳۸۰)، مفصل (۱۹۶۹)، مجلسی (۱۴۰۴)، مکارم‌شیرازی (۱۳۷۷)
روابط خود	ارتباط با جهان، طبقه اجتماعی، ملت و نژاد، ارائه انسان مشابه بر انسان محکم	مطهری (۱۳۷۹)، جوادی‌آملی (۱۳۸۹)

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، ۱۶ مؤلفه بر پایه منابع اسلامی برای معرفت نفس قابل طرح است که عبارتند از: باورها (گزاره‌های مقبول فرد در باره خود، خدا و جهان، که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود، اگر با پذیرش شناختی و گرایش عاطفی همراه گردد، باور نامیده می‌شود)، ارزش‌ها (معیارها، استانداردها و اصولی که اعمال فرد بر پایه آنها ارزشیابی می‌شود و به صورت خوب و بد، یا باید و نباید مشخص می‌شود)، اهداف (ایده‌ها، آرمان‌ها و نتایجی که فرد پیش از انجام فعالیت، آنها را در نظر می‌گیرد و اعمال خویش را برای رسیدن به آن سوق می‌دهد)، گرایش‌ها (کشش‌ها، امیال، انگیزه‌ها و هیجان‌های فردی و نوعی)، ویژگی‌های پایدار (صفات اخلاقی مثبت و منفی و صفات عمومی فرد)، توانمندی‌ها (توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش‌ها و استعدادهای ویژه فرد)، آسیب‌پذیری (کاستی‌های موجود در خلقت انسان، ضعف‌های او در برابر خداوند، رشد نایافتگی

در این درجه‌بندی، همبستگی درون‌طبقه‌ای، یا ضریب اعتبار اندازه واحد، که بیانگر اعتبار درجه‌بندی یک داور و واحد تحلیل در آن نمره‌های انفرادی (و نه میانگین نمره‌ها) است، برابر با ۰/۱۸ به‌دست آمده است. این امر نشان می‌دهد که همگونی نمره‌ها در یک داور از نظر آماری معنادار است. ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط، که در واقع نزدیک به ضریب آلفای کرونباخ است و واحد تحلیل در آن، میانگین همه درجه‌ها یا نمره‌هاست، برابر با ۰/۷۸ به دست آمد. این امر نشان می‌دهد که بین متخصصان حاضر سطح بالایی از همگونی درونی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش (جدول ۳)، نشان داد که معرفت نفس مناسب‌ترین معادل سازه هویت در منابع اسلامی به شمار می‌رود. این یافته از سه جنبه قابل تبیین است:

نخستین تبیین، به این حقیقت اشاره دارد که هویت و معرفت نفس، پاسخ‌های صریح یا ضمنی در پاسخ به این سؤال است که من کیستم. معرفت نفس، پاسخ به این سؤال است که من کیستم، منشأ پیدایش من چیست و از چه مسیری به سوی چه مقصدی حرکت می‌کنم (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۸۹). بررسی سازه هویت در روان‌شناسی، نشان می‌دهد که «هویت» پاسخ صریح یا ضمنی به این سؤال است که من کیستم، یا ما کیستیم (ویگنولز (Vignoles) و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهش‌های بسیاری در روان‌شناسی هویت را پاسخ به سؤال کیستی فرد می‌دانند (ر.ک: بامبرگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ بورکیت (Burkitt)، ۲۰۱۱، گرگ (Gregg) و همکاران، ۲۰۱۱؛ گروتونت و ون‌کورف (Grotevant & Von Korff)، ۲۰۱۱؛ مک‌آدامز و زاپاتا‌گیلت، ۲۰۱۴؛ کروستی و میوس، ۲۰۱۴). علاوه بر تعریف‌های فوق، تعبیرهایی در روان‌شناسی وجود دارد که نشان می‌دهد، هویت جنبه خودشناسی دارد و دیدگاه فرد را نسبت به خود نشان می‌دهد. برای نمونه، در تعریف /ریکسون (۱۹۶۸) و ویلیام جیمز (۱۹۸۰)، تعبیرهای آگاهی از خود و ادراک خود و در نظریه برزونسکی، «تئوری خود» نشان می‌دهد که هویت به شناخت خود و آگاهی از خود و برداشت و تفسیر فرد از خود اشاره دارد. همچنین، اصطلاح «تعریف خود» در آثار مختلف روان‌شناسی (ر.ک: بوسی (Bussey)، ۲۰۱۱؛ دیلون (Dillon) و همکاران، ۲۰۱۱؛ هاسلم و المرز (Haslam & Ellemers)، ۲۰۱۱؛ هوفمن، ۲۰۰۶؛ واترمن، ۲۰۱۴؛ وای‌نرب و ریچیا (Wainryb & Recchia)، ۲۰۱۴)، به شناخت فرد از خود اشاره دارد و دیدگاه او را درباره‌ی خویشتن منعکس سازد. بنابراین، همان‌گونه که هویت به آگاهی، ادراک، برداشت، تعریف و تئوری فرد درباره‌ی

اخلاقی، ضعف‌های فیزیکی، مهارتی، دانشی و رفتاری)، شناخت اکتسابی (آگاهی حاصل از مطالعه، تحقیق و تفکر درباره‌ی خود)، احساس هشیارانه (توجه، آگاهی و هشیارایی فرد نسبت به اجزای خود، که بر پایه آن فرد نسبت به خود و جنبه‌های مختلف آن هشیار است و آنها را از یاد نمی‌برد و غافل نمی‌شود)، خودارزشمندی (حس ارزشمند دانستن خود، با توجه به کرامت انسانی، منزلت اجتماعی، ایمان دینی و توانایی‌های فردی)، فطرت‌یابی (یافتن گرایش‌ها و بینش‌های سرشتی خود و شکل دادن هویت بر پایه آنها)، تلفیق عناصر (تلاش شناختی فرد برای ایجاد همخوانی و هماهنگی بین عناصر خود)، حل تعارض (هشیارایی فرد از تضاد موجود بین نیروهای عقلانی با نیروهای شهوی و غضبی و تلاش آگاهانه فرد جهت ایجاد هماهنگی بین این عناصر)، خودپایی (تلاش عملی و مداوم فرد برای تحقق خود، که بر پایه آن فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش می‌پردازد)، خودبدنی (به ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های بدن، کارکرد سیستم‌ها و اعضای بدن، توانایی‌ها، ضعف‌ها و تصور فرد درباره بدن خود) روابط خود (آگاهی فرد از داشتن یا نداشتن ارتباط با دیگران و دلایل آن و اینکه عضو چه گروه، نژاد، طبقه و فرهنگ است).

همچنین یافته‌های پژوهش در مورد روایی محتوایی مؤلفه‌های هویت، از طریق درجه‌بندی نظر متخصصان، با توجه به مستندات و تعاریف مؤلفه‌ها، نشان داد که ۹ سازه (باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی، خودپایی)، مؤلفه‌های اصلی هویت هستند. نتایج این درجه‌بندی و مشخصات آماری آن، در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مشخصه‌های آمار توصیفی درجه‌بندی متخصصان برای میزان مناسب مؤلفه‌های معرفت نفس در متون اسلامی

ردیف	مؤلفه	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه
۱	باورها	۹/۰۹	۱۰	۶	۱۰
۲	گرایش‌ها	۸/۸۱	۱۰	۶	۱۰
۳	احساس هشیارانه	۸/۷۲	۹	۷	۱۰
۴	شناخت اکتسابی	۹/۰۹	۹	۷	۱۰
۵	خودپایی	۸/۶۳	۹	۷	۱۰
۶	ارزش‌ها	۷/۸۱	۹	۳	۱۰
۷	خودارزشمندی	۹/۰۹	۹	۷	۱۰
۸	هدف‌ها	۹/۱۸	۹	۷	۱۰
۹	ویژگی‌های پایدار	۸/۱۸	۹	۶	۱۰
۱۰	توانمندی‌ها	۸/۰۰	۸	۶	۱۰
۱۱	اسبب‌پذیری	۸/۰۹	۸	۵	۱۰
۱۲	فطرت‌یابی	۸/۳۶	۸	۷	۱۰
۱۳	حل تعارض	۷/۵۴	۷	۵	۱۰
۱۴	خودبدنی	۶/۲۷	۷	۲	۱۰
۱۵	تلفیق عناصر	۷/۵۴	۷	۴	۱۰
۱۶	روابط	۶/۴۵	۷	۲	۱۰

خود مربوط می‌شود، معرفت نفس نیز به خودآگاهی (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰۴)، خودشناسی (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۲) و توجه، هشیاری و التفات به خود (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۸۵) اشاره دارد؛ یعنی دیدگاه فرد را نسبت به خود نشان می‌دهد.

دومین تبیین، به شباهت هویت و معرفت نفس از نظر اجزاء ساختاری و عناصر مؤلفه‌ای آنها بر می‌گردد. برای نمونه، در آثار دانشمندان مسلمان، معرفت نفس از اجزایی مانند چیستی، کجایی و چرایی خود (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۲)، فطرت مشترک (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰۹)، فضائل نفسانی (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۵)، ملکات فاضله و رذیله، حالات پسندیده و ناپسند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۷۰)، حسن و قبح عقلی (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۷)، شناخت کمال، سعادت، شقاوت، هدف و کمال (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۲ و ۱۳)، شناخت خوف، شهوت، خشم و هیجانات (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۶۵)، شناخت امیال فطری، غرایز، احساسات، عواطف، انگیزه‌ها، نیازها، خواست‌ها، کشش‌های درونی (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۵۰)، شهوت، غضب، عصبیت، میل (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶)، هوای نفس، انگیزه‌های شهوت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۲) و نفس اماره (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶، ص ۵۰) برخوردار است. درحالی‌که هویت در نظریه‌های روان‌شناسی نیز از اجزایی مانند باورهای اساسی و بنیادی فرد درباره خود، ترجیحات و انتخاب‌ها (اریکسون، ۱۹۸۶، ص ۶۷)، اهداف، ارزش‌ها، باورها (واترمن، ۲۰۱۴، ص ۱۹۵)، کشاننده‌ها، توانایی‌ها و تاریخچه فردی (مارسیا، ۱۹۸۰)، مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، روان‌بنه‌ها (برزونسکی، ۲۰۱۱). نقش‌ها و صفات (مک‌آدامز، ۲۰۱۱)، انتظارات، هنجارها و استانداردها (اسمیت، ۲۰۰۹) تشکیل شده است. بنابراین، شباهت معرفت نفس، با هویت از نظر اجزای سازنده آن، نشان می‌دهد که معرفت نفس می‌تواند معادل مناسبی برای هویت باشد.

تبیین سوم، به مفاهیم متضاد با معرفت نفس مانند «خودفراموشی»، «از خودبیگانگی»، «جهل به نفس» و «گم کردن خود» مربوط می‌شود که با بحران هویت، یعنی نقطه مقابل هویت‌یافتگی برابری می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند کاری کرد که خود را فراموش کنند» (حشر: ۱۹). «به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌هایی دارند که با آن نمی‌اندیشند و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند آنان همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر، اینان همان غافلانند» (اعراف: ۱۷۹) این دو آیه، که در مورد فراموشی و غفلت از خود است، به بحث هویت مربوط می‌شود (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۸۵؛

مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۵۴۰). مفاهیم جهل به نفس و گم کردن خود در روایات (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲)، به عنوان مفاهیم متضاد معرفت نفس نیز خصوصیت شبیه بحران هویت را منعکس می‌کند. همان‌گونه که فرد در بحران هویت نمی‌داند که کیست، چه وظایفی دارد و چه فعالیت‌هایی باید انجام دهد، مفاهیم غفلت از خود، بیگانگی با خود، فراموشی خود و گم کردن خود نیز همین خصوصیات را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش (جدول ۵)، این بود که بر پایه منابع اسلامی، باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی و خودپایی ساختار مؤلفه‌ای هویت را تشکیل می‌دهد. باورها می‌تواند هویت‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک کند. در قرآن کریم، هویت‌های پرهیزگاران، برندگان، بازندگان، مؤمنان، منافقان و کافران بر اساس باورها از هم متمایز شده‌اند: پرهیزگاران کتاب‌های آسمانی را می‌پذیرند و نسبت به غیب و آخرت یقین دارند (بقره: ۲ و ۳). گروه برندگان (میمنه)، به نشانه‌های خداوند معتقدند، اما گروه بازندگان (مشمه) آنها را تکذیب می‌کنند (بلد: ۱۹-۱۸). مؤمنان به خدا، فرشتگان، پیامبران (بقره: ۲۸۵)، به آموزه‌های نازل شده بر پیامبران و روز جزا اعتقاد دارند (نساء: ۱۶۲). منافقان با آنکه ادعای ایمان دارند، اما خداوند شهادت می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند (منافقون: ۱) و کافران آیات خدا را باور ندارند و دعوت پیامبر را انکار می‌کنند (زمر: ۵۹). بنابراین، باورها از مؤلفه‌های هویت شناخته می‌شود. این یافته با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا/اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، برزونسکی (۱۹۸۹، ۲۰۱۱)، واترمن (۲۰۱۴)، مک‌آدامز (۱۹۸۵، ۲۰۱۱)، بل و دیوید (۲۰۰۹)، سوول (۲۰۱۰)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱)، باورها را از مؤلفه‌های ساختاری هویت شمرده‌اند.

ارزش‌ها با فراهم آوردن «چارچوب مرجع»، می‌تواند هویت افراد را تفکیک کند. افراد ایده‌هایی درباره خود یا بد، مناسب یا غیرمناسب و ضروری و یا غیرضروری بودن امور دارند. هنگامی که این ایده‌ها در چارچوب معیارها و ملاک‌ها سازمان‌دهی شود، یک نظام ارزشی پدید می‌آید که هویت افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در منابع اسلامی، اموری مانند سعادت و رستگاری (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۸)، کمال معنوی و سعادت اخروی (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۳)، تسلط عقل بر سایر نیروهای درونی (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲) و تعادل قوای درونی (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۴۸)، ملاک‌های ارزشی است که هویت افراد بر پایه آنها قابل تفکیک است و یکی از مؤلفه‌های هویت به شمار می‌رود.

این یافته، با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا *اریکسون* (۱۹۶۸)، *مارسیا* (۱۹۸۰)، *سول* (۱۹۹۹)، *چک* و *همکاران* (۲۰۰۲)، *روزر* و *همکاران* (۲۰۰۶)، *اسمیتز* (۲۰۰۹)، *سورل* (۲۰۱۰)، *هاردی* و *کارلو* (۲۰۱۱)، *مک‌آدامز* (۲۰۱۱)، *برزونسکی* (۲۰۱۱) و *واترمن* (۲۰۱۴)، ارزش‌ها را از مؤلفه‌های هویت دانسته‌اند.

اهداف، مؤلفه دیگری است که می‌توان بر پایه آن، هویت‌های مختلف را از هم متمایز ساخت. در منابع اسلامی، هدف افراد عاقل رعایت آموزه‌ها و هدف افراد جاهل روایت آنها (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰)، هدف عابد تنها اصلاح خود و هدف فقیه اصلاح خود و دیگران (همان، ص ۵)، هدف عاقل حکمت و هدف جاهل حماقت (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۵)، هدف افراد مؤمن ذکر و سپاسگزاری (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۳)، هدف افراد دنیاگرا رسیدن به هوسرانی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۴، ص ۲۹۱)، هدف افراد زاهد، مخالفت هوا و رهایی از شهوت‌ها، هدف افراد خردمند ترک گناه و اصلاح عیب‌ها (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۰)، هدف افراد پست، انجام گناه و هدف افراد زرتنگ طاعت خدا (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۱ و ۱۸۵) معرفی شده است. در این روایت‌ها، مجموعه‌ای از گروه‌ها بر پایه اهداف از هم تفکیک شده‌اند که نشان می‌دهد اهداف می‌تواند یک مؤلفه برای هویت باشد. این یافته، با دیدگاه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است. برای نمونه، *اریکسون* (۱۹۶۸)، *مارسیا* (۱۹۸۰)، *سول* (۱۹۹۹)، *چک* و *همکاران* (۲۰۰۲)، *روزر* و *همکاران* (۲۰۰۶)، *اسمیتز* (۲۰۰۹)، *برزونسکی* (۲۰۱۱)، *مک‌آدامز* (۲۰۱۱)، *هاردی* و *کارلو* (۲۰۱۱) و *واترمن* (۲۰۱۴)، اهداف را یکی از مؤلفه‌های ساختاری هویت در نظر گرفته‌اند.

گرایش‌ها، در منابع اسلامی می‌تواند هویت افراد را از هم متمایز سازد. برای نمونه، مؤمنان با غیرمؤمنان از نظر خوف، شهوت، خشم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۶)، محبت به اموال، علاقه به خدا (توبه: ۲۴)، دوستی با مؤمنان (همان، ص ۲۴۱)، میل به مشرکین (آل‌عمران: ۲۸)، خشیت در برابر خدا و ترس از مردم (احزاب: ۳۹) تفاوت دارند. این شواهد، نشان می‌دهد که گرایش‌ها در منابع اسلامی، یکی از مؤلفه‌های هویت است. این یافته، با پژوهش‌های روان‌شناسی همخوانی دارد؛ زیرا *مارسیا* (۱۹۸۰)، *سول* (۱۹۹۹)، *چک* و *همکاران* (۲۰۰۲)، *روزر* و *همکاران* (۲۰۰۶)، *ویگنولز* و *همکاران* (۲۰۱۱)، *مک‌آدامز* (۲۰۱۱) و *بل* (۲۰۱۳)، از گرایش‌ها به عنوان یک مؤلفه ساختاری هویت نام برده‌اند. شناخت اکتسابی هویت، افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در منابع اسلامی، تأکید شده است که اطلاعات کافی در مورد مسائل گردآوری شود. پیامبر اسلام ﷺ «خداوند دانش‌اندوزان افراطی را دوست

می‌دارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۶). هرکس بدون دانش، دست به کاری بزند، خرابی او بیش از آبادی اوست (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴). نوع هویت فرد، تحت تأثیر میزان اطلاعات او قرار می‌گیرد. هرچه فرد در یک زمینه اطلاعات مثبت داشته باشد، به احتمال زیاد آن هویت را برمی‌گزیند. رسول‌خدا ﷺ «بهترین وزیر ایمان علم است» (همان، ص ۴۸). امام صادق ﷺ «ایمان هفت سهم دارد: یکی از آنها معرفت و دیگری علم است» (همان، ج ۲، ص ۴۲). پس شناخت اکتسابی، از مؤلفه‌های هویت است که با یافته‌های روان‌شناسی همخوانی دارد. برای نمونه، در آثار *ویلیام جیمز* (۱۸۹۰)، *اسمیتز* (۲۰۰۹)، *مک‌آدامز* (۲۰۱۱)، *ویگنولز* و *همکاران* (۲۰۱۱)، شناخت‌های فرد به عنوان جزء تشکیل‌دهنده هویت مطرح شده است.

ویژگی‌های پایدار و صفات افراد، می‌تواند گروه‌های هویتی از هم متمایز سازد. برای نمونه، مؤمنان (مؤمنون: ۱-۹)، پرهیزکاران (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۳)، کافران (بقره: ۳۹، ۱۷۱) و منافقان (توبه: ۶۷) از طریق ویژگی‌ها از هم متمایز شده‌اند. بنابراین، ویژگی‌های پایدار یکی از مؤلفه‌های هویت به شمار می‌رود. این یافته، با اندیشه‌های *ویلیام جیمز* (۱۸۹۰) و یافته‌های *چک* و *همکاران* (۲۰۰۲)، *روزر* و *همکاران* (۲۰۰۶)، *اسمیتز* (۲۰۰۹) و *مک‌آدامز* (۱۹۸۵، ۲۰۱۱) همخوانی دارد.

احساس هشیارانه، هویت افراد را متمایز می‌سازد؛ زیرا فردی که خود را فراموش نکند (حشر: ۱۹)، خدا را به یاد داشته باشد (احزاب: ۴۱؛ انفال: ۴۵)، از نعمت‌های خداوند غافل نشود (مائده: ۱۱؛ فاطر: ۳)، ضعف‌های خود را از یاد نبرد (نساء: ۲۸) و به یاد مرگ باشد (آل‌عمران: ۱۸۵)، هویت متفاوت از کسانی دارد که خود، خدا، نعمت‌ها، آسیب‌ها، و مرگ خود را فراموش می‌کند. بنابراین، احساس هشیارانه که شامل آگاهی نسبت به این جنبه‌ها است، یکی از مؤلفه‌های هویت به شمار می‌رود. این یافته، با دیدگاه ناهشیار جمعی *یونگ* (۱۹۳۴)، درباره هویت ناهمخوان و با دیدگاه‌های *اریکسون* (۱۹۶۸) و *جیمز* (۱۹۸۰)، که تعبیر آگاهی و ادراک را در مورد هویت به کار برده‌اند، همخوان است.

خودارزشمندی، هویت افراد را متمایز می‌سازد؛ زیرا به تعریف و شناخت مربوط می‌شود. امام علی ﷺ (نهج‌البلاغه، خ ۱۰۲): عالم کسی است که قدر و منزلت خود را بشناسد. در نادانی فرد همین بس که ارزش خود را درک نکند، هلاک نمی‌شود کسی که ارزش خود را بداند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷). تمام خوبی‌ها در اختیار کسی است که ارزش خود را بداند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۱). آینده از آن کسی است که ارزش خود را درک کند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۶). این روایت‌ها، نشان می‌دهند که خود ارزشمندی، شناخت و تعریف خود را تسهیل می‌کند.

خودپایی، به تلاش عملی و مداوم فرد برای جهت تحقق خود اشاره دارد که بر پایه آن، فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش می‌پردازد. خودپایی از این نظر، هویت افراد را متمایز می‌سازد که میزان تحقق خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفهوم «خودپایی»، از آموزه‌هایی مانند خودسازی (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۷)، تزکیه نفس (اعلی: ۱۴؛ شمس: ۹)، تهذیب نفس (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۹) و ریاضت نفس اقتباس شده است. منظور از «خودسازی»، پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی خود، تنظیم کوشش‌های علمی و عملی و سوق دادن آنها، به سوی هدف و کمال انسان است (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در نتیجه، این پژوهش با هدف تعیین ساختار مفهومی هویت در منابع اسلامی، به دو پرسش اساسی پاسخ داد: پرسش اول، به یافتن معادل مفهومی هویت مربوط می‌شد. در پاسخ به این پرسش، معرفت نفس به عنوان معادل مناسب برای هویت در منابع اسلامی معرفی شد که می‌تواند پاسخ به سؤال من کیستم را پاسخ گوید. پرسش دوم، به مؤلفه‌های ساختاری هویت در منابع اسلامی می‌پرداخت. در پاسخ به این سؤال، نه مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی و خودپایی، ساختار مؤلفه‌ای هویت را در منابع اسلامی به وجود می‌آورد؛ زیرا هر کلمه از آنها هویت‌های افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد، از مؤلفه‌های هویت به شمار می‌رود.

با اینکه در این پژوهش، معادل مفهومی و مؤلفه‌های ساختاری هویت معرفی شد، اما این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود: نخست اینکه، مؤلفه‌ها تنها به صورت نظری معرفی شده است. پیشنهاد می‌شود این مؤلفه‌ها به صورت عملیاتی و میدانی مورد آزمون قرار گیرد. دوم اینکه، در این پژوهش استخراج مؤلفه‌ها، به مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی اختصاص یافته است. پیشنهاد می‌شود، مؤلفه‌های فرایندی هویت در منابع اسلامی بررسی شود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۲، ترجمه محمد دشتی، قم، بنیاد نهج البلاغه.

آخوندی، محمدباقر، ۱۳۸۳، *هویت ملی - مذهبی جوانان*، قم، بوستان کتاب.

احسانی، محمد، ۱۳۹۴، *شاخصه‌های رفتاری هویت دینی در بعد اجتماعی از منظر قرآن*، رساله دکتری قرآن و علوم تربیتی، قم، جامعه‌المصطفی العالمیه.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جعفری‌هرندی، رضا و همکاران، ۱۳۸۷، «تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۵، ص ۳۳-۵۸.

جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ سوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹، *تفسیر انسان به انسان*، چ پنجم، قم، اسراء.

حبی، محمدباقر و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی شاخص‌های هویت‌یابی دینی و ملی در گروه از جوانان شهر تهران»، *علوم انسانی*، سال شانزدهم، ش ۷۳، ص ۹-۳۵.

حرعاملی، محمدبن‌حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.

حسن‌زاده‌آملی، حسن، ۱۳۷۱، *عیون مسائل النفس و شرح العیون فی شرح العیون*، تهران، امیرکبیر.

حسینی‌تهرانی، سیدحسین، ۱۴۱۹ق، *رساله لب اللباب*، چ نهم، قم، علامه طباطبائی.

شجاعی، محمدصادق و همکاران، ۱۳۹۳، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۵، ص ۷-۳۸.

شعبانی، حسن، ۱۳۸۰، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، تهران، سمت.

شهیدنائی، زین‌الدین علی‌ابن‌احمد، ۱۴۰۹ق، *حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة*، قم، مکتبه مرعشی نجفی.

شیخ مفید، محمدبن‌نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

شیروانی، علی، ۱۳۷۶، *سرشت انسان: پژوهشی در خداشناسی فطری*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم، ۱۹۸۱، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، چ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

صدوق، محمدبن‌علی، ۱۳۷۸، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.

_____، ۱۳۷۶، *الأمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.

- Ashmore, R.D, & Jussim, L, 1997, *Self and Identity: Fundamental Issues*, New York, RUTGERS.
- Bamberg, M, et al, 2011, *Discourse and Identity Construction*, in: S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Baumeister, R. F, 1987, How the self became a problem: A psychological review of historical research, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 52 (1), p. 163–176.
- Bell, M, & David, 2009, *Religious identity; Conceptualization and measurement of the religious self*, doctoral dissertation to the Faculty of the Graduate School of Emory University.
- Bell, N. J, 2013, Dialogic processes of self-transformation: The sample case of eating disorder recovery, *Identity: An International Journal of Theory and Research*, v. 13, p. 46–72.
- Berzonsky, M. D, 1988, *Self-theorists, identity status, and social cognition*. In D.K. Lapsley & F. C. Power (Eds.), *Self, ego, and identity: Integrative approaches*(pp. 243–262). New York: Springer.
- _____, 1989, The self as a theorist: Individual differences in identity formation, *International Journal of Personal Construct Psychology*, v. 2, p. 363–376.
- _____, 2011, *A social-cognitive perspective on identity construction*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, and V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, vol.1. (pp. 55-76) New York: Springer.
- Bosma, H. A, 1985, *Identity development in adolescents: Coping with commitments. Unpublished doctoral dissertation*, University of Groningen, The Netherlands.
- Brubaker, R, & Cooper, F, 2000, Beyond “identity”, *Theory and Society*, v. 29, p. 1–47.
- Burkitt, I, 2011, *Identity construction in sociohistorical context*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 267–283). New York: Springer.
- Bussey Kay, 2011, *Gender Identity Development In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles* (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 603–628). New York: Springer.
- Cheek, et al, 2002, *Relational identity orientation: A forth scale for the AIQ*, Annual Meeting, Savannah, GA.
- Côté, J. E, 1997, An empirical test of the identity capital model, *Journal of Adolescence*, v. 20, p. 577-597.
- _____, 2006, Identity studies: How close are we to establishing a social science of identity? An appraisal of the field, *Identity, An International Journal of Theory and Research*, v. 6, p. 3–25.
- Côté, J. E., & Levine, C. G, 2002, *Identity formation, agency, and culture: A social psychological synthesis*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Crocetti, E, & Meeus, W, 2014, *The Identity Statuses: Strengths of a Person-Centered Approach of Identity Development*, in McLean, K.C. and M Syed, *The Oxford Handbook of Identity Development*, first published, New York, Oxford University Press.
- Descartes, R, 1937, *Discourse on method and related writings (D. M. Clarke, Trans)*, New York: Penguin. (published 2000).
- Dillon, F. R, et al, 2011, *Sexual identity as a universal process*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 649–670). New York: Springer.

- غزالی، ابو حامد، ۱۳۸۰، *کیمیای سعادت*، چ نهم، تهران، علمی و فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الواقفی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
- کربلایی، شیخ جواد، ۱۴۰۴ق، *الأنوار الساطعة فی شرح الزيارة الجامعة*، قم، دارالحدیث.
- کلینی، محمد، ۱۳۶۵، *کافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- کراجکی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ق، *کنزالفوائد*، قم، دارالذخایر.
- لطف آبادی، حسین و وحیده نوروزی، ۱۳۸۳الف، «سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن»، *روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)*، ش ۴۰، ص ۱۰-۳۱.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محدث بندریگی، ابراهیم، ۱۳۷۶، *ترجمه المراقبات*، تهران، اخلاق.
- محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____, ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____, ۱۳۹۰، *به سوی او*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *مجموعه آثار*، چ دوم، تهران، صدرا.
- مفضل جعفری، بن عمر کوفی، ۱۹۶۹، *توحید المفضل*، قم، مکتبه الداوری.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- _____, ۱۳۸۵، *اخلاق اسلامی در نهج البلاغه*، قم، نسل جوان.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، ۱۳۷۸، *أسرار الصلاة*، چ هشتم، تهران، پیام آزادی.
- مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *چهل حدیث*، چ بیستم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مولوی، جلال‌الدین، ۱۳۸۷، «خودشناسی در دیدگاه مولوی»، نوشته بخشعلی قنبری، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۳۵، ص ۵۸-۶۴.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۷، *معراج السعاده*، چ پنجم، قم، هجرت.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، *جامع السعادات*، چ هفتم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- Adams, G. R, et al, 1987, Parent-adolescent relationships and identity formation, *Family Perspective*, v. 21, p. 249–260.
- Anderson, J.B, 1998, *William James’s theory of personal identity, Master Thesis*, Defended April, University of OTTAWA.

- McCall, G.J, & Simmons, J.L, 1966, *Identities and interactions: An examination of human associations in everyday life*, New York, Free Press.
- Mead, G. H, 1934, *Mind, self, and society*, Chicago: University of Chicago Press.
- Roeser, R. W, et al, 2006, *Self and identity processes in school motivation, learning, and achievement*, In P. A. Alexander, P. R. Pintrich, and P. H. Winne, eds. Handbook of educational psychology, 2nd ed., (pp 391–424). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Roeser, et al, 2015, *Self and Identity Processes in Spirituality and Positive Youth Development*, Available from: Robert W Roeser, Retrieved on: 01 July 2015.
- Schwartz, S. J, 2001, *The evolution of Eriksonian and neo-Eriksonian identity theory and research: A review and integration*, Identity: An International Journal of Theory and Research, v. 1, p. 7–58.
- Seol, K, 2010, *Religious identity as a mediator between religious socialization from parents, peers, and mentors and psychological well-being and adjustment among Korean American adolescents*, A Dissertation for the degree of doctor of philosophy, Richard M. Lee, Ph.D. Adviser, submitted to the faculty of the Graduate school of the university of Minnesota.
- Smits I, 2009, *Identity styles in adolescence, measurement and associations with perceived parenting*, personal well-being, and interpersonal functioning, Doctoral dissertation submitted to obtain the degree of Doctor in Psychology, Catholic university, Germany, Leuven.
- Stryker, S, 1968, Identity salience and role performance: The relevance of symbolic interaction theory for family research, *Journal of Marriage and the Family*, v. 30, p. 558–564.
- Stryker, S, 2007, Identity theory and personality theory: Mutual relevance, *Journal of Personality*, v. 75(6), p. 1083–1102.
- Tajfel, H, 1970, Experiments in intergroup discrimination, *Scientific American*, v. 223, p. 96–102.
- Tajfel, H, & Turner, J. C, 1986, *The social identity theory of intergroup behavior*, In: S. Worchel & W.G. Austin (Eds.). Psychology of intergroup relations, Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Taylor, C, 1989, *Sources of the self*, The making of the modern identity, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Vignoles, V.L, et al, 2011, *Introduction: toward an integrative view of identity*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, (pp 1-27), New York: Springer.
- Wainryb, C, & Recchia, H, 2014, *Conflict: Implications for Processes of Identity Development, in McLean, K.C. and M Syed*, The Oxford Handbook of Identity Development, (pp 369-388), first published, New York, Oxford University Press.
- Waterman, A.S, 2014, *Identity as Internal Processes: How the “I” Comes to Define the “Me”*, in McLean, K.C. and M Syed, The Oxford Handbook of Identity Development, (pp195-209) first published, New York, Oxford University Press.
- Erikson, E. H, 1950, *Childhood and society*, New York, Norton.
- _____, 1963, *Childhood and society (2nd Ed)*, New York, Norton.
- _____, 1968, *Identity: Youth and crisis*, New York, Norton.
- Gregg, Aiden P, et al, 2011, *Dynamics of Identity: Between Self-Enhancement and Self-Assessment*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research (pp. 305–328). New York: Springer.
- Grotevant, H. D, 1987, Toward a process model of identity formation, *Journal of Adolescent Research*, v. 2, p. 203–222.
- Grotevant, H.D, & VonKorff, L, 2011, *Adoptive Identity*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research (pp. 585–602). New York: Springer.
- Goffman, E, 1963, *Stigma: Notes on the management of spoiled identity*, New York: Simon & Schuster.
- Hammack, P. L, 2014, *Theoretical Foundations of Identity, in McLean, K.C. and M Syed, The Oxford Handbook of Identity Development, first published*, New York, Oxford University Press.
- Hardy, S.A, & Carlo, G, 2011, *Moral Identity*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, (pp495-514), New York: Springer.
- Haslam, A, & Ellemers, N, 2011, *Identity Processes in Organizations*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, (pp715-745), New York: Springer.
- Hoffman, R. M, 2006, Gender self-definition and gender self-acceptance in women: Intersections with feminist, womanist, and ethnic identities, *Journal of Counseling and Development*, v. 84, p. 358–372.
- Hume, D, 1739, *A treatise of human nature. New York: Penguin*, (published, 1986).
- James, W, 1890, *The principles of psychology*, New York: Henry Holt.
- Jung, C. G, 1934, *The archetypes and the collective unconscious*, (R. F. C. Hull, Trans.; 2nd ed, Collected works of C. G. Jung, v. 9, part 1). Princeton, NJ: Bolligen.
- Kant, I, 1781, *Critique of pure reason (M. Weigelt, Trans)*, New York: Penguin (published 2007).
- Kurtines, W.M, 1999, A Co-constructivist perspective on human behavior and development, Manuscript submitted for publication.
- Marcia, J.E, 1966, Development and validation of ego identity status, *Journal of personality and social psychology*, v. 3, N. 5, p. 551-558.
- _____, 1980, *"Identity in adolescent" the chapter five in Adver*, Handbook of adolescent, New York.
- McAdams, D. P, 1985, *Power, intimacy, and the life story: Personological inquiries into identity*, Homewood, IL: Dorsey Press.
- McAdams, D. P, & Zapata-Gietl, C, 2014, *Three Strands of Identity Development Across the Human Life Course: Reading Erik Erikson in Full*, in McLean, K.C. and M Syed, The Oxford Handbook of Identity Development, (pp 81-96), first published, New York, Oxford University Press.
- McAdams, D.P, 2011, *Narrative Identity*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, (pp 99-116), New York: Springer.